

روز جهانی کارگر و توجه به محلات حاشیه نشین شهرها

نسان نودینیان

هر روز به تعداد محلات حاشیه نشین افزوده میشود. ترکیب و بافت ساکنین محلات حاشیه نشین عمدتاً کارگران و اقشار زحمتکشی هستند که درآمدهای متوسط نزدیک به دویست هزار تومان دارند. در محلات حاشیه نشین میزان بیکاری و نداشتن موقعیت شغلی بالا است. ساکنین محلاتی که به حاشیه نشین ها شناخته میشوند در طول چند دهه اخیر، معیشت و حقوق شهروندی آنها همواره چالش اصلی با نهادهای حکومت اسلامی بوده است. زنان قربانیان اصلی در محلات حاشیه نشین هستند.

حاشیه نشینی خود خشونت علیه زنان است. میزان خشونت علیه زنان در محلات حاشیه نشین بالا است. زنان در محلات حاشیه نشین مورد خشونتهای جسمی، اقتصادی و اجتماعی قرار میگیرند. در این محلات زنانی زندگی میکنند که در اثر فقر به اعتیاد و تن فروشی تن میدهند. کار خانگی بر اثر بیکاری و حاشیه نشینی آنها بیشتر از زنانی است که حاشیه نشین نیستند. کم نیستند زنانی که در محلات حاشیه نشین زندگی میکنند، توسط پلیس و نیروهای نظامی و امنیتی و شهرداری ها با رویکردی جنایی به آنها برخورد میکنند. بویژه اگر در دام اعتیاد و تن فروشی بیفتند با

صفحه ۲

گرامی باد روز جهانی کارگر: دستمزد بالای دوازده میلیون، آزادی زندانیان سیاسی، زنده باد اداره شورایی!

صفحه ۲



بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد وضعیت وخیم کرونا در ایران و سیاست های جمهوری اسلامی

صفحه ۳

موقعیت بالنده چپ و بی افقی راست

صفحه ۳

اصغر کریمی

محسن نامجو و جنبش "می تو" در ایران

صفحه ۴

حمید تقوایی

چوبه اعدام، طناب دار، و تولد یک سه تار در زندان پنانه آ بهرامی / از میدیای اجتماعی

صفحه ۵

زحمت چند برابر حقوق نابرابر. بمناسبت روز جهانی کارگر گزارش خاور احمدی از وضعیت زنان کارگر در آشپزخانه ها در شهر سندانج از میدیای اجتماعی

صفحه ۶

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

مینا بهروزی

نگاه هفته

صفحه ۷

پروین معاذی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گرامی باد روز جهانی کارگر: دستمزد بالای دوازده میلیون، آزادی زندانیان سیاسی، زنده باد اداره شورایی!



قانونی"، با "فروش مواد مخدر" و با "اعتیاد و تن فروشی" جنایی کرده است. و آگاهانه به این سیاست و رویکرد و جنایی کردن محل زندگی مردم و ساکنین محلات حاشیه نشین شهرها دامن زده است.

در کردستان بیش از پنجاه محله حاشیه نشین کوچک و بزرگ گزارش شده است. حاشیه نشینی مترادف است با محرومیت‌های همه جانبه اجتماعی (مسکن و معیشت، رفاه و دارو و امکانات پزشکی و... و در شرایط کنونی واکسن رایگان کرونا). درد و مشکلات ساکنین محلات حاشیه نشین بیشمار است. بیکاری، فقر و نا امنی معیشتی در صدر این دردها و مشکلات اجتماعی هستند.

تامین معیشت در گرو این است به ساکنین محلات حاشیه نشین که در موقعیت بیکاری دائمی قرار دارند و از برخورداری از حقوق و مزایا برای تامین معیشت، اجاره مسکن، دارو و پزشک و فرستادن فرزندان به مدرسه و دانشگاه عاجزند حقوق پایه و ماهانه پرداخت شود. و به کارگران و جوانانی که فاقد موقعیت شغلی هستند بیمه بیکاری مکفی پرداخت شود.

سپناه (مسکن مقاوم) مهمترین و ضروری ترین نیاز ساکنین محلات حاشیه نشین است. دسترسی نداشتن ساکنین محلات حاشیه نشین شهرها به مراکز بهداشتی و پزشکی يك معضل دائمی آنها است.

در دسترس قرار دادن امکانات تست کرونا واکسیناسیون مجانی در محلات حاشیه نشین شهرها فوری ترین نیاز انسانی است.

سازماندهی مردم محلات حاشیه نشین و حمایت از آنها امری فوری - اجتماعی و انسانی است. توجه فعالین کارگری و اجتماعی را به این وظیفه مهم انسانی جلب میکنیم.

۳۱ فروردین ۱۴۰۰
۲۰ آوریل ۲۰۲۱

اتاق های فکر و به اصطلاح محققین اجتماعی آکادمیک حکومت اسلامی صدها و هزاران صفحه درباره محلات حاشیه نشین، شرایط زندگی و کمبودهای این محلات نوشته اند. به باور من اینها با برجسته کردن اعتیاد، تن فروشی و نزاع های خانوادگی و جنایی کردن فضای محلات حاشیه نشین راه چاره ای جز امنیتی کردن و کشاندن پلیس و نیروهای امنیتی به این محلات را انجام نداده اند و عملا برای رفع و کمک به ساکنین این محلات اقدامات جدی در عرصه اجتماعی انجام نمیدهند. اینها بخشی از پروژه های درآمد زای نیروهای لابیستی مقامات ریز و درشت حکومت اسلامی هستند که با انجام پروژه های تحقیقی میلیون ها تومان را به جیب میزنند.

سیستم امنیتی در حکومت اسلامی با تفرقه و تقسیم بندی مردم محلات حاشیه نشینی به عنوان ارادل و اوباش و مجرمان و معتادین و فروشندگان مواد مخدر عملا زندگی بخش عمده مردم محلات را جنایی میکنند و بخش عمده از ساکنین این محلات را مورد حملات خشونت بار قرار میدهند. دستگیری و زندان و اعمال خشونت‌های پلیسی را به بخشی از سیاست و اقدامات به اصطلاح امنیتی خودشان تبدیل کرده اند.

مبارزه علیه جنایی و امنیتی کردن زندگی ساکنین محلات حاشیه نشین توسط پلیس و نیروهای امنیتی و نظامی چالش بزرگ اجتماعی برای مردم این محلات است.

مبارزات خستگی ناپذیر معلمان و بازنشستگان و کارگران نفت و فولاد و بویژه اعتصابات و اجتماعات شورانگیز کارگران هفت تپه با شعار "اداره شورایی" طبقه کارگر را در چشم جامعه به نیروی سیاسی قدرتمند با راه حلی واقعی و انسانی برای شکل دهی آینده بعد از جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. لازم است که اول ماه مه انعکاس دهنده این موقعیت باشد و "زنده باد اداره شورایی"، یعنی حاکمیت مستقیم شوراهای شهروندان و لغو هرگونه دولت مافوق مردم، بر پرچم اول مه ۱۴۰۰ حک شود.

کمتر جایی را در دنیای امروز میتوان یافت که طبقه کارگر با چنین افق روشن، نفوذ و اعتبار اجتماعی و با چنین اعتماد بنفسی روز جهانی کارگر را تدارک ببیند. حزب کمونیست کارگری که خود بخشی از تلاش برای شکل دادن به این موقعیت بوده و هست، دست تکیه رهبران کارگری، معلمان، بازنشستگان و همه فعالین برپایی اول ماه را به گرمی میفشارد و همه مردم و بویژه فعالین دانشجویی، جنبش رهایی زن و همه عرصه های مبارزه برای رفع تبعیض و برابری را فرامیخواند تا فعالانه به صف برپایی هرچه گسترده تر اول مه ۱۴۰۰ بپیوندند.

بگذار در اول مه فریاد دستمزد بالای ۱۲ میلیون، آزادی زندانیان سیاسی، زنده باد اداره شورایی در همه جا طنین افکند و افق سوسیالیستی طبقه کارگر را بیش از پیش در برابر جامعه ایران بگستراند!

زنده باد اول مه
روز جهانی کارگر!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فروردین ۱۴۰۰

میکند؛ از "معیشت، منزلت حق مسلم ماست"، تا بهداشت و تحصیل رایگان برای همه و غیره. این خواست در عین حال نمایانگر راه حل کارگری در قبال اوضاع بسیار وخیم اقتصادی مردم در ایران است. تامین رفاه و آسایش و زندگی شایسته انسان قرن بیستم باید در صدر اولویت های اقتصادی جامعه قرار گیرد.

علاوه بر مطالبات مربوط به معیشت، کارگران و معلمان و دیگر اقشار طبقه کارگر در اجتماعات و تظاهرات های بیشمار خود بارها بر خواست های سیاسی نظیر ممنوعیت امنیتی کردن اعتراضات کارگری، آزادی حق تشکل و اعتصاب، و آزادی فوری همکاران در بند خود تاکید کرده اند. در اول ماه مه امسال آزادی زندانیان سیاسی به عنوان خواستی که مبارزه همیشگی کارگران علیه استبداد و سرکوب جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی های بی قید و شرط سیاسی را نمایندگی میکند، برجسته تر از همیشه مطرح است. در واقع "آزادی زندانیان سیاسی" همراه "دستمزد بالای ۱۲ میلیون" دو مطالبه فوری مهم طبقه کارگر در اول مه ۱۴۰۰ است که همه مردم ایران بطور بلافصل در آن ذینفع اند و این واقعیت به اول مه امسال این توانایی را میبخشد که مورد توجه و حمایت بیش از پیش توده های وسیع قرار گیرد.

اما جایگاه مبارزه کارگری در ایران حتی فراتر از این است. در سالهای اخیر همه شاهد بوده ایم که چگونه مبارزات، رهبران و آرمانهای کارگری در بعدی عمیقتر مورد توجه بخش های وسیع جامعه قرار گرفته و به نقطه امید مردم ایران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و شرایط نکبت بار موجود تبدیل شده است.

روز همبستگی جهانی کارگران، اول ماه مه ۲۰۲۱ برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ از راه میرسد. از هم اکنون، چند هفته قبل از روز جهانی کارگر، جنب و جوشی شورانگیز را در محافل و شبکه ها و همچنین در بیانیه ها، اجتماعات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان برای تدارک اول مه ۱۴۰۰ میتوان مشاهده کرد. این اول مه میتواند يك نقطه عطف باشد و صف گسترده تری را حول شعارها و پرچم طبقه کارگر برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داری متحد کند. این در شرایطی که جمهوری اسلامی در تقلا برای بقای خود با انواع جنایات و از جمله تحمیل فقر و فلاکتی گسترده و تشدید پاندمی کرونا و گرفتن جان دهها هزار نفر جامعه را به نابودی سوق میدهد، حائز اهمیت بسیاری است. اول مه فرصتی است تا طبقه کارگر نشان دهد که آماده است تا در پیشاپیش جامعه معترض و ملتبه ایران این وضع را تماما عوض کند و آزادی و برابری و رفاه را مستقر کند.

کارگران غیر رسمی نفت اعلام کرده اند که با خواست "دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد" به استقبال اول مه میروند. بازنشستگان و معلمان و تشکلهای مختلف فعالین جنبش کارگری نیز در بیانیه ها و تجمعات خود بر خواست دستمزد بالای ۱۲ میلیون تاکید کرده اند.

مطالبه دستمزد بالای ۱۲ میلیون تومانی که ظرفیت متحد کردن وسیعترین صف طبقاتی، از کارگران کارخانه تا معلمان و دیگر مزدبگیران را دارد محور خواسته های معیشتی و اقتصادی گوناگونی است که کارگران و معلمان در اجتماعات خود مطرح

**بگذار در اول مه فریاد دستمزد بالای دوازده میلیون،
آزادی زندانیان سیاسی، زنده باد اداره شورایی در همه جا طنین افکند
و افق سوسیالیستی طبقه کارگر را بیش از پیش در برابر جامعه ایران بگستراند!**

موقعیت بالنده چپ و بی افقی راست



اصغر کریمی

رضا پهلوی در مصاحبه ای با صدای آمریکا بر نکته مهمی انگشت گذاشت که در حکومت بعدی «با این اختلاف طبقاتی و وضعیتی که برای معیشت پیش آمده به احتمال خیلی قوی در یکی دو دهه اول حکومت بعد از جمهوری اسلامی، یک حزب با برنامه عدالت اجتماعی و سوسیالیستی بیشتر رای خواهد داشت، چون این دغدغه اصلی مملکت است.»

این اعتراف توسط شاخص ترین چهره اپوزیسیون بورژوازی به موقعیت برتر یک حزب سوسیالیستی در آینده پس از سرنگونی جمهوری اسلامی ناشی از مشاهده موقعیت همین امروز چپ و کمونیسم در جامعه ایران است. همان مشاهده ای که چند هفته قبل تر نیز رضا پهلوی را به این نتیجه رساند که تاج را کنار بگذارد و خواهان نظامی انتخابی شود. فاکتورهای مشابه زیادی را در سال های اخیر شاهد بوده ایم که همگی دلالت بر موقعیت ویژه کمونیسم در جامعه ایران میکنند. جامعه ای که از این نظر به نمونه ای منحصر به فرد در جهان تبدیل شده است.

همبستگی طبقاتی که در سالهای گذشته در جامعه ایران شکل گرفته است، همبستگی دانشجوی با کارگر، بازنشسته با معلم، معلم با پرستار و کارگر با بقیه، شعارهای رادیکال تجمعات اعتراضی علیه حقوق های نجومی و فلاکت عمومی، علیه چماق مذهب و استفاده از مذهب برای بدبخت کردن مردم، نفرت عمومی از آخوند و مسجد و مذهب و سنت های عقب مانده، سطح توقعات بالای کارگر و مردم زحمتکش، فضایی که شعار اداره شورایی در یک مجمع کارگری را به یک شعار عمومی در جامعه تبدیل میکند، مطالبات رادیکال نهادهای مختلف حقوق زن و حقوق کودک و محیط زیست و دفاع از حیوانات در مقابل فرهنگ عقب مانده اسلامی و سنتی، مطالبات رادیکال و انسانی جنبش دادخواهی، خوشنامی و محبوبیت کمونیسم در سطحی اجتماعی و وزنه سنگین آن در اپوزیسیون، وجود چهره های کمونیستی سرشناس و محبوب و با

صفحه ۴

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد وضعیت وخیم کرونا در ایران و سیاست های جمهوری اسلامی



مرگ و میر ناشی از کرونا بار دیگر در ایران اوج گرفته است. اکثر قریب به اتفاق شهرهای بزرگ کشور طبق گزارشات حکومتی در وضعیت قرمز و سیاه قرار گرفته اند. تعداد ابتلا به بیماری و مرگ و میر ناشی از این بیماری بسرعت افزایش یافته است. در برخی استانها تعداد مبتلایان جدید حداقل پنج برابر بیشتر شده است.

مسئولین بیمارستان ها و مقامات شهری میگویند اجازه خبررسانی در مورد تعداد تلفات کرونا را ندارند و این یک قانون است. مدیرعامل بهشت زهرا گفته است در طول تاریخ ۵۰ ساله بهشت زهرا این شرایط هرگز تکرار نشده است. اینها نشانه مرگ و میری بسیار بالاتر از رقم ۳۰۰ مرگ در شبانه روز است که توسط مقامات حکومت اعلام میشود. مدیر عامل بهشت زهرا گفته است تنها در تهران در عرض ۲۴ ساعت ۱۰۰ نفر بدلیل ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده اند. حتی اگر این رقم حقیقت داشته باشد که ندارد، نشان میدهد که تعداد مرگ و میر در کشور بسیار بالاتر از آمار حکومتی است.

در کشورهایی که دست به کار تزریق واکسن کرونا شده اند مرگ و میر به شدت کاهش یافته است اما خامنه ای خرید واکسن های معتبر را ممنوع و مردم را از حق سلامتی محروم کرد. خودشان واکسن ها را بموقع زده اند و مردم را بی دفاع رها کرده اند و آیت الله هایشان تجویز مزخرفات میکنند. خودشان علیرغم واکسن خود را قرنطینه کرده اند و مردم تنگست و محروم را به حال خود گذاشته اند. روحانی گفته است انشاء الله در تابستان واکسن ایرانی آماده خواهد شد و بخش خصوصی میتواند دست به کار خرید واکسن از خارج شود و جواب او را وزیر خودش داده است که واکسن فرآورده حساس و بیولوژیک است. ماست فروش و سیمان فروش و پلاسکو فروش می خواهد واکسن بیآورد؟! حکومت خودش تعداد کمی واکسن وارد کرد که صرف مقامات و

همگانی و هم آزادی زندانیان سیاسی و خالی کردن زندان ها را. از جمله کارگران نفت و همینطور تشکل های مختلف کارگران، معلمان و بازنشستگان در بیانیه های خود ضمن اعتراض به سیاست های حکومت خواهان واکسن استاندارد، همگانی و رایگان شده اند و پرستاران در طوماری که تاکنون هفت هزار نفر امضا کرده اند به منع آنها در استفاده از تجهیزات ایمنی به بهانه ترس بیماران و عدم رسیدگی به سایر خواست های حق طلبانه شان اعتراض کرده اند.

فاجعه کرونا در ایران سند جنایت جمعی حکومت فاسد و ددمنشی است که جان و سلامت شهروندان برای او کمترین ارزشی ندارد. حکومت فاسد و جنایت اسلامی کنار کرونا علیه مردم ایستاد و مستقیماً عامل و مسئول اشاعه کرونا و مرگ صدها هزار نفر است.

درمان رایگان و واکسن فوری، استاندارد و رایگان و همگانی، حقوق پایه همگانی به همه مردمی که درآمد کافی ندارند، تامین فوری تجهیزات کافی به کادر درمان، آزادی زندانیان سیاسی و خالی کردن سایر زندان ها خواست همه مردم است. حول این خواست ها متحد شویم، از بیانیه های کارگران و معلمان و بازنشستگان و طومار اعتراضی پرستاران حمایت کنیم و جبهه قدرتمندی علیه حکومت جنایتکار و ضد انسان اسلامی سازمان بدهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۰

۱۷ آوریل ۲۰۲۱

فرماندهان و شکنجه گران و مفتخورها شد و بقیه را در بازار سیاه به قیمتی معادل دو سال درآمد یک کارگر به فروش گذاشت. حتی چند عدد واکسن که بطور نمایشی قرار بود به پاکبانان آبادان زده شود به مدیران شهرداری زده شد!

در برخی کشورها به مردمی که درآمد پایینی دارند و یا بدلیل کرونا ناچار به ترک کار خود شده اند حقوقی تعیین کرده اند و معالجات ناشی از بیماری کرونا رایگان است، اما در جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین کمکی در اختیار مردم قرار نگرفت بلکه هزینه سرسام آور معالجه را نیز مردمی باید بپردازند که برای نان شب محتاجند. مردم فقیر و محروم برای تامین زندگی خود را به آب و آتش میزنند و کارگران و بازنشستگان برای نقد کردن چندروزه حقوقشان مجبور به تظاهرات میشوند و بدلیل بی امکاناتی قربانی بیشتری میدهند.

وضعیت جاری حاصل نهایت لاقیدی و سیاست های جنایتکارانه حکومت در قبال مردم است. از پنهان کاری در مورد شیوع کرونا در ماههای اول تا ادامه پرواز به چین و تشویق مراسم های مذهبی و باز گذاشتن امامزاده ها، عدم تامین تجهیزات ایمنی در بیمارستانها، پر کردن زندان ها، تحویل خرافه به جای امکانات درمانی و واکسن به مردم و تهدید و دستگیری مردم بدلیل افشای واقعیات مربوط به فاجعه کرونا، سیاست های حکومت اسلامی در ۱۴ ماه گذشته است که صدها هزار نفر را قربانی کرده است.

مردم هم واکسن رایگان و مطمئن میخواهند، هم درمان رایگان میخواهند، هم حقوق پایه

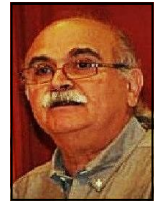
محسن نامجو و جنبش "می تو" در ایران

از صفحه ۳

موقعیت بالنده چپ و ...

نمیبینیم، قدرت راست را دست کم میگیریم. دیگران موقعیت کمونیسم را میبینند و به آن اذعان میکنند اما متأسفانه جریانات چپ نمیخواهند قبول کنند. نمیخواهند ببینند که تقریباً تمام پروژه های سیاسی اپوزیسیون بورژوازی علیرغم امکانات رسانه ای و منابع مالی و داشتن حمایت برخی دول غرب ناکام مانده است. رژیم پنج و رفراندم و نافرمانی مدنی و دخالت نظامی شان تماماً به کنار رفته است. حتی یک حزب یا سازمان سیاسی جدی در چهل سال گذشته نتوانستند درست کنند، شورای ملی ایران و فرشگرد و حزب مشروطه و دور همی های دیگر آنها تحت عناوین مختلف کوچکترین جایگاهی پیدا نکرده است، فاقد شخصیت های مورد اعتماد و با نفوذی در جامعه هستند، یک برنامه سیاسی و یک پلاتفرم مبارزاتی یک صفحه ای با ثبات نتوانستند به جامعه ارائه دهند و حول آن اتحادی شکل بدهند و اکنون با کنار گذاشتن تاج سلطنت توسط رضا پهلوی

مشتت تر و بی آینده تر شده اند. جنبش ملی اسلامی نیز تماماً جایگاه خود را از دست داده است. اینها نیز پدیده هایی تصادفی نیستند. این روندها و این تحولات مهم سیاسی ناشی از دست بالا پیدا کردن جنبشی دیگر و گرایشی دیگر یعنی کمونیسم کارگری و حزب سیاسی آن در جامعه است. این واقعیات تاکید دیگری بر حقانیت اهداف، آرمان و سیاست های کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری، و فراخوانی در جهت تلاش هرچه بیشتر برای تقویت این جنبش و پیوستن به صفوف این حزب است. فراخوانی به حضور فعال در همه عرصه های مبارزه، با اعتماد بنفس، با خوشبینی و در عین حال تلاش برای غلبه بر موانعی است که هر روز و هر لحظه بر سر راهمان قرار میگیرد. فراخوانی به همه ما برای تشویق هر انسان شریف و آزاده ای برای گرد آمدن حول برنامه و اهداف و سیاست های انسانی کمونیسم کارگری و حزب آن است. ۳۰ فروردین ۱۴۰۰



حمید تقوایی

اخیراً با انتشار یک فایل صوتی از محسن نامجو بحث در مورد شکایتها و اتهامات در مورد آزار و تجاوز جنسی ایشان بالا گرفته است. صحت و سقم این اتهامات باید نهایتاً در دادگاه روشن بشود ولی محتویات همین فایل صوتی تا حد زیادی نشان میدهد که موضوع از چه قرار است.

ایشان اعتراضات و انتقادات وارده بر رفتار سکسیستی خود را "شلوغ بازی" کسانی میدانند که نمیدانند چه میخواهند و همان رفتار "حاجیه خانم" موقع باقلی پاک کردن در خانی آباد را دارند. می فرمایند حتی یک آدم حسابی در میان شاکیان از ایشان نیست و همه با ایشان مساله شخصی دارند و "سواد و تحصیلات و زیبایی خدادادی" هم ندارند! و میخواهند کسی را از کار بیاندازند که "یکساعت نفس کشیدنش با ششماه زندگی" آنها برابر است!

میفرمایند در مورد زن ایرانی شعار جنبش می تو "نه یعنی نه" درست نیست چون ما فرهنگ ناز و نیاز داریم که غربی ها ندارند! می فرمایند خب در مستی زیاده روی کردم و صبح فردا هم تکست زدم و معذرت خواستم ولی قبول نشد! می فرمایند "قضیه خیلی ساده تر از این حرفاست در حد شوخی لفظی و نیشگون و چنین چیزی است!"

بله! قضیه خیلی روشن است اما نه از سری که این جناب میگوید! اینجا ما با یک متجاوز جنسی از خود راضی که حتی نمی فهمد چه غلطی کرده است مواجه هستیم. در عالم مستی "زیاده روی" کرده است و حالا انگشت بدهان مانده که چرا با وجود اینکه تکست زده و معذرت خواسته قربانی تجاوز از او شکایت کرده است! با زنی شوخی لفظی (یعنی همان متلک لومپنی) کرده است و دوتا هم نیشگون گرفته است و حالا طلبکار هم شده است که چرا شلوغش میکنید! و برای این لپنیمس متعوه هم فلسفه به هم

میافد که در فرهنگ "ناز و نیاز" ایرانی عدم رضایت زنان قبول نیست! ظاهراً حتی وقتی شکایت هم میکنند دارند ناز میکنند! مهم "نیاز" ایشان است و نه امتناعی که حتی وقتی به شکایت منجر بشود باید آنرا بحساب ناراحتی روانی و عقده های شخصی قربانی گذاشت! این جهل مرکب کسی است که نداند و نداند که نداند. این همان فرهنگ لومپنی اسلامی حاکم در ایران است که تجاوز به زنان زندانی و دختر بچه های ۹ ساله را صواب میداند. جناب نامجو با تشبیه منتقدین و شاکیان خود به "حاجیه خانمهای باقلی پاک کن خانی آباد" در سال ۱۳۵۲ تنها هم سخی خود با حاج آقاها روضه خوان قمی و مشهدی همین امروز را نشان میدهد. فایل صوتی جناب نامجو در واقع مانیفست فرهنگ کپک زده اسلامی بعلاوه تفرعون و تیختر و از خود متشکری ناموجه آل احمدهای پلاستیکی است. مانیفست تعرض و تحقیر و توهین علیه زنان از زبان "خواننده شهیر" شرقرده ای که عقب ماندگی های فرهنگی اش را در ستون افتخاراتش نوشته است.

افاضات این جناب یکبار دیگر نشان میدهد که جنبش می تو در ایران با چه گندابی مواجه است. از یکسو باید با حکومتی مبارزه کرد که تحقیر و توهین و تجاوز جنسی علیه زنان را به فرهنگ دولتی و قانون رسمی تبدیل کرده است و از سوی دیگر با فرهنگ مشمتر کننده ای که همان اراجیف را این بار به اسم "فرهنگ ناز و نیاز ایرانی" تحویل ما میدهد.

در آمریکا و سایر کشورهای غربی نفس افشا شدن اذیت و آزار جنسی از سوی سلبرتی ها کافی است تا از جامعه طرد بشوند. کسانی مثل "هاروی واینستین" و "کوبین اسپنسی" و "بیل کازی" بعد از رو شدن موارد آزار و تعرض جنسی شان به زنان حتی قبل از اینکه کارشان به دادگاه بکشد شغل و موقعیت اجتماعی شان را از دست دادند و عملاً از جامعه طرد شدند. هیچکس هم بیاد اهمیت هنر و استعداد اینها نیفتاد. یک لحظه تصور نکنید اگر هر یک از اینان فایل صوتی ای پر میکرد و از اینکه

یکساعت نفس کشیدنش مهم تر از شش ماه زندگی شاکیان است صحبت میکرد و یا به شاکیانش میتاخت که "سواد و تحصیلات و زیبایی خدادادی ندارند" چه جوابی از مردم میگرفت. دنیا را بر سرشان خراب میکردند. در مورد نامجو هم باید همین کار را کرد. جناب نامجو درست میگوید، فرهنگ ایشان خیلی با فرهنگ غربی فرق میکند، فرهنگ ایشان بیشتر شبیه فرهنگ مصباح یزدی و یا فرهنگ ترامپ است تا فرهنگ غالب در غرب، ولی فرهنگ زنان و جوانان و کل نود و نه درصدهای ایران همان فرهنگ پیشروئی است که از جمله با جنبش "می تو" اسلامیس و ترامپیس و مردسالاری را بجالش کشیده است. مردم ایران نیز مانند مردم غرب تجاوز و تعرض جنسی علیه زنان را نه تحمل میکنند و نه می بخشند. مردم ایران هم مانند مردم غرب هیچ توجیه و بهانه و فلسفه بافی ای در رابطه با تجاوز و تعرض جنسی علیه زنان را نمی پذیرند و بر نمی تابند.

افاضات جناب نامجو باندازه کافی گویا هست. حتی اگر هیچک از شکایتهای طرح شده هم وارد نباشد نفس همین افاضات خامنه ای گونه ایشان کافی است تا طرد بشود. باید کنسرتهای ایشان را تحریم کرد، برنامه های تلویزیونی و آنلاین این جناب را پخش نکرد و کلاً اجازه نداد در جامعه سر بلند کند. نباید اجازه دارد در فضای هنری- سیاسی ایرانیان خارج کشور فرهنگ متعفن لومپنی- اسلامی که حکومت بر مردم ایران تحمیل کرده است جا باز کند.

جناب نامجو می پرسد هدفتان از این "شلوغ کاری" چیست؟ امیدوارم جوابش را گرفته باشد.

۲۰ آوریل ۲۰۲۱



دشمن ما همینجاست!

* دشمن ما مجلس است که قانون علیه مردم وضع میکند

* شورايعالی کار است که حقوق یک چهارم خط فقر تصویب میکند

* نیروی مسلح حکومت است که به سر شلیک میکند

* حکومتی است که ۱۷۶ سرنشین هواپیما را عاودانه به موشک میند

* قوه قضایه است که مردم معترض را به شکنجه و زندان محکوم میکند

* نظامی است که اکثریت مردم را فقیر و مخموران حاکم را میلیاردر میکند

* حکومت مذهبی است که به اسم مذهب چپاول و به اسم الله جنایت میکند

* حکومتی است که جداسازی و اسیدبازی میکند

* حکومتی است که زنان را از هر جنی محروم میکند

* اصولگرا و اصلاح طلب است که این جهنم را به سر مردم حاکم کرده اند

* آیت الله های میلیاردرند که سر مردم شیره میاند

* خامنه ای است که در راس این ماشین دزدی و جنایت و فساد اسلامی حکومت میکند

دشمن ما همینجاست و همینجا سرنگوش میکنیم

چوبه اعدام، طناب دار، و تولد یک سه‌تار در زندان

پنانه آ بهرامی

۲۵ ماه مه، ساعت ۹ شب، صدایی لرزان از درون زندان، تاریخ یک شهر را به دو پاره تقسیم کرد؛ پیش و پس از شنیدن این صدا، سکوت عجیبی مستولی شد. یک نفر از آن سوی خط حرف می‌زد: «نمی‌خواهم زیر خاک بروم، جوانم و آرزوهای زیادی دارم، می‌خواهم زنده بمانم، فکر کنید که من فرزند شما هستم، از شما تقاضای کمک دارم، شبایی که صدای مرا می‌شنوید، شما سازمان‌های حقوق بشری، کمکمان کنید... سالن پی ان باکس ایتالیا، محل برگزاری کنفرانس، در سکوت و شوک عجیبی فرو رفته است. کسی حتی پلک هم نمی‌زند. همه با بغض در گلو و در سکوت مطلق به این آوا گوش می‌دهند...

روزنامه گازتینیو چاپ ایتالیا، در سال ۲۰۱۲ میلادی در آن باره نوشت: «شنیدن این صدا، فاصله بین ما و خاورمیانه را کم می‌کند. زانیار و لقمان نه فقط نام فامیل مشترکی دارند، بلکه سلول مرگشان را نیز با هم سهیم هستند. ما مردم ایتالیا به یاری آن‌ها می‌شتابیم...»

آن صدا، صدای زانیار مرادی بود که به کمک سازمان «نذا دی» و «کمیته بین‌المللی علیه اعدام» پژواک آن به ورای مرزها رسانده شد.

ایتالیایی‌ها با شقاوت‌های جمهوری اسلامی ایران آشنایی داشتند. از کمپین سینه‌های محمدی آشتیانی، زنی که محکوم به اعدام بود، پشتیبانی کرده بودند و فشار بین‌المللی او را نجات داد. این بار هم تصور بر این بود چنین شود، اما نشد.

در نظام‌های استبدادی و توتالیتر، شهروندان هیچ جایگاه و نقشی در قدرت سیاسی ندارند. هانا آرت، نظریه‌پرداز آلمانی (۱۹۰۶-۱۹۷۵ میلادی)، بر این باور است که رژیم‌های توتالیتر تنها در پی قدرت و تحکیم حاکمیت خود نیستند، بلکه فضای کنش سیاسی را یکسره منهدم می‌کنند. به آن ترتیب، استعدادها و توانمندی‌های انسان مجال بروز نمی‌یابد، چراکه ویژگی حکومت تمامیت‌خواه مطیع بودن واقعی هوادارانش است. این واقعیت در مورد نظام جمهوری اسلامی ایران نیز کاملاً روشن و ملموس است. این نظام چنان فضای کنش سیاسی را در ایران منهدم کرده است که محدوده‌ای برای گفتن و گفته و شنیده شدن باقی نگذاشته است. بر آن بستر، پژواک صدای زانیار نه در ایران، بلکه در ایتالیا طنین‌انداز شد. با این حال، حکومت جمهوری اسلامی ایران توانسته است همه را مطیع و فرمانبردار کند. با آن که زانیار (متولد

۱۳۶۹) در دامن همان نظام بالیده بود، جالب است بدانید که سه‌تاری در بند ساخت و چند سال پس از اعدام (بخوان قتل عمدی دولتی) آن ساز روانه بیرون زندان شد.

فراموش نکنیم که حتی در دهه ۶۰ نیز زندانیان چپ که مذهبی نبودند، از هسته خرما تسبیح درست می‌کردند و به دوستانشان هدیه می‌دادند. در زندان‌های جمهوری اسلامی هیچ‌گاه سخن از ساز ساختن نبود. این که نسل بعدی زندانیان سیاسی آن نظام «سه‌تار» می‌سازد، جای اندیشه و پرسشگری دارد و نمادی از تحول است. موسیقی و ساز در این سرزمین، به ویژه در سال‌های اولیه پس از انقلاب ۵۷، ممنوع بود. ساختن سه‌تار نوعی اعتراض محسوب می‌شود؛ اعتراض به نگرش خرافی و ممنوعه‌ها. اندیشه آزادی بدون رها شدن از قید و بندهایی که ما را در خود پیچیده است، ممکن نمی‌شود. دین و دولت، دو ستون از پیکره‌ای است که آزادی را در جامعه محدود می‌کند. سه‌تار زانیار دین حکومتی را نیز هدف گرفت؛ خوانشی از دین که با شادی سروکاری ندارد، با عزا و مویه همراه است، و با حربه خرافات حکومت می‌کند. در مقابل، ساز و موسیقی سراپا سرور و شادی است.

اما ماجرای سه‌تار زانیار چه بود؟ آیا این سه‌تار نمادی از اعتراض است؟ پرونده‌هایی با اعترافات اجباری و

ضرب و شتم در سال ۱۳۸۸ فرزند امام جمعه مریوان همراه با دو تن از همراهانش به دست گروهی ناشناس کشته شدند. مأموران اطلاعات که نتوانستند به وظیفه خود عمل کنند و قاتلان را بیابند، یک ماه بعد دو جوان را به فاصله یک روز دستگیر کردند. بقیه ماجرا را از زبان زانیار و لقمان مرادی در رنج‌نامه خود بخوانید: «ما در حال رفتن به سر کار بودیم که بازداشت شدیم... اما آنچه در بازداشتگاه اداره اطلاعات بر ما گذشت و حجم شکنجه‌های وحشیانه مأموران اطلاعاتی به حدی بود که علیرغم بیگناهی و بی‌خبری از حادثه و با آگاهی از فرجام فاجعه‌آمیز، ما دو نفر مجبور شدیم پس از چند هفته علیه خویش اعتراف کنیم و گناه ناکرده را بر گردن بگیریم...»

میزان شکنجه به قدری بود که زانیار در سال ۹۱ به بیمارستان سینا اعزام شد و مشخص شد که دو مهره ستون فقرات او بر اثر ضربات شدید جابه‌جا شده و سه مهره دیگر دچار دیسک شده است، او همچنین دچار لخته‌گی خون در بیضه شده بود و به آن

دلیل، در راه رفتن و نشستن و برخاستن دچار مشکل شد. لقمان از این میزان درمان هم محروم بود. او تا زمان اعدام از خونریزی در کلیه و از مشکلات ستون فقراتش رنج می‌برد. صالح نیکبخت، وکیل زانیار و لقمان، ادعای دادستان را رد می‌کند: «زانیار هیچ فعالیت سیاسی نداشت، پدر او سیاسی بود، اما خود زانیار هیچ فعالیتی و حتی سابقه کیفری هم نداشت.» این وکیل دادگستری پنج ایراد اساسی به پرونده وارد کرده بود: از جمله آن که موکلینش اسلحه‌ای نداشتند، و لقمان در روز حادثه بر روی یک جرشقیل در شهر سروآباد در ۳۵ کیلومتری مریوان کار می‌کرد و ۱۲ کارگر دیگر هم که آنجا کار می‌کردند، شاهد بودند.

فشارهای بین‌المللی به حدی بود که ۹ سال حکومت را از اعدام این دو به عقب راند، اما بالاخره جمهوری اسلامی ایران در ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ آن دو را به همراه رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی کرد، در زندان رجایی شهر به جوخه اعدام سپرد. حکومت حتی از دادن اجساد آنان به خانواده‌هاش هراس داشت. سازمان عفو بین‌الملل در آن زمان با انتشار بیانیه‌ای، در مورد پنهانکاری در پیوند با محل دفن زندانیان سیاسی اعتراض کرد و آن را مصداق نقض میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شمرد.

داستان تولد سه‌تار در زندان

در سال ۱۳۹۵، یعنی دوسال پیش از خاموشی آنان، به درخواست یک روزنامه آلمانی، گفت‌وگوی ویدیویی کوتاهی با زانیار در زندان با تلفن همراه ضبط شد که مینا احدی، از کمیته بین‌المللی علیه اعدام، آن را به فارسی ترجمه کرد. زانیار در آن گفت‌وگوی کوتاه داستان ساختن سه‌تار را شرح می‌دهد: سه‌تاری که در زندان یار و همراه او بود. «اوایل که زندان بودم خیلی زجر می‌کشیدم، تنها ۱۹ سال داشتم، الان ۲۵ سال دارم... با امید زندگی می‌کنم و این امید را روز به روز زنده می‌کنم با مطالعه، با یادگیری زبان... یک سه‌تار از جعبه‌هایی که برایمان میوه آوردند ساختم... با قهوه به آن رنگ زدم... سیم پش وصل کردم... ساز می‌زنم... و می‌توانیم به خودمان امیدهایی بدهیم... یک روز به ذهنم رسید که طناب داری را که برامون اویزان کردن، چگونه می‌توانم با موسیقی تداعی کنم... به فکر رسیدم این رشته طناب را به سیم سه‌تار تبدیل کنم و چوبه دار را تبدیل به بدنه ساز کنم...»

مینا احدی می‌افزاید که زانیار و

لقمان با سعید شیرزاد، زندانی سیاسی مدافع حقوق کودکان، مدت‌ها با هم در زندان رجایی شهر محبوس و با یکدیگر همبند بودند. برعکس زانیار که بسیار خونگرم و با همه دوست بود، لقمان کم‌حرف و ساکت بود. وقتی آن دو اعدام شدند، سعید شیرزاد دونامه پرسوز و گداز نوشت، بر پایه آن دوستی عمیق، زمانی که جعفرعظیم زاده در فروردین ۱۴۰۰ آزاد شد، خاطره زانیار را با خود همراه کرد. جعفر عظیم زاده، دبیر هیأت مدیره اتحادیه کارگران ایران، با وجود پرونده‌سازی‌های متعدد، بالاخره توانست پس از ۷ سال از زندان آزاد شود. آن خاطره، سه‌تاری بود که زانیار آن را ساخته بود و قرار شد جعفر آن را که گولبازی از خاطرات با خود داشت، به سعید شیرزاد تقدیم کند. سعید نیز پس از ۶ سال حبس، در سال ۱۳۹۹ آزاد شده بود.

آیا ماجرا پایان می‌یابد؟

سال ۱۴۰۰ سال آزادی زندانیان سیاسی «مبارزه علیه اعدام یک مبارزه با خون دل و اعصاب و روان و بسیار سخت است... من با محکوم به اعدام حرف می‌زنم و در موارد زیادی به آنها علاقه‌مند می‌شوم و سپس با اعدام هر یک، تکه‌ای از قلبم زیر خاک می‌رود. این ادا ساده نیست. به همین دلیل بعد از اعدام ریحانه جاری حالم خیلی بد شد و مدت‌ها از ترس این که مبادا زانیار و لقمان هم اعدام شوند، پاسخ تلفن‌ها و یا اسکیپ زانیار را نمی‌دادم... چون هت‌ترسیدم دیگر حالم خیلی بدتر بشود... مغز اعصابم بعد از این همه جنگ و جدل و در مواردی از دست دادن این عزیزانم، آسیب دیده و فقط بگویم کار ساده‌ای نیست و در عین حال بایستی با قلب و احساس جنگید و گرچه نمی‌توان به جنبش علیه اعدام دامن زد...»

این سخنان مینا احدی است که



کارزارهای بسیار را سامان داده است. مبارزه زندانیان سیاسی در ایران، با مبارزه مدام علیه اعدام گره خورده است. به تازگی کارزاری از سوی شعله پاکروان (مادر ریحانه جباری) و منصوره به کیش (از زندانیان دهه ۶۰ که شش تن از اعضای خانواده‌اش در آن سال‌های سیاه تیرباران شدند) به همراه «مادران دادخواه»، به نام «کمپین یک میلیون امضا برای آزادی زندانیان سیاسی» تشکیل شده است. این کارزار تا کنون ۳۶۰۰ امضا، به ویژه از داخل ایران، جمع کرده است. آن‌ها می‌گویند که سال ۱۴۰۰ را سال آزادی زندانیان سیاسی اعلام می‌کنند: «جمهوری اسلامی ایران باید به دلیل این که مردم معترض را گروگان می‌گیرد و منتقدان را به بند می‌کشد، به دلیل این که در داخل زندان می‌کشد و با اعدام و قتل‌های خاموش و شکنجه سفید و بی‌حرمتی به زندانیان، جنایت علیه بشریت انجام می‌دهد، به دلیل این که تعداد زیادی از فعالان سیاسی را با وثیقه‌های سنگین و کنترل دایمی، از زندگی عادی محروم می‌سازد، بایکوت سیاسی شده و از همه نهادهای بین‌المللی اخراج شود.»

این مقاومت و اعتراضات روزافزون به چه معنایی است؟ روند تا حد زیادی روشن است: جامعه ایران با شدت و سرعت در حال پوست‌اندازی است. شهروند ایرانی در حال تبدیل شدن به کنشگر است. انسان مدرن، عاملیت دارد و می‌خواهد سرنوشت خود را خود به دست بگیرد، چشم به آسمان ندارد، به خرافات پشت می‌کند، تغییر را از توان خود و از دل جامعه می‌خواهد و در آن چارچوب، خواست «آزادی زندانیان سیاسی و نه به اعدام» را به عنوان یک خواست درونی

شده جامعه مطرح می‌کند.

از میدای اجتماعی

زحمت چند برابر حقوق نابرابر بمناسبت روز جهانی کارگر

گزارش خاور احمدی

از وضعیت زنان کارگر در آشپزخانه ها در شهر سنج

تومان است. دو همکار دیگر پروین ۶۷ ساله بدلیل بیکاری همسر برای تامین زندگی خانواده ۴ نفری از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر برای هفته ای ۳۰۰ هزار تومان در آشپزخانه کار میکند.

فرست که خودش سرپرست خانواده و دارای ۳ فرزند می باشد با همان شرایط مشغول کار کردن میباشد.

در شهر سنج برای خیلی ها از بیمه کاری خبری نیست فقط يك حقوق ناچیز برای زندگی کردن در آشپز خانه بزرگ و رستوران توسط کارفرما به زنان پرداخت می شود. درآشپز خانه های بزرگ و رستورانها در سنج کارفرمایان هیچ قانونی در رابطه با کارگران (حتی قانون کار ناچیزه ج ا) را رعایت نمی کنند. در واقع کارگر باید خود بیمه بیکاری را پرداخت کند اما به دلیل درآمد ناچیز قدرت پرداخت آن را ندارند. خلاصه در آمد زندگی من با همسر و يك دختر دم کتکوری جمعاً ۴ میلیون ۲۰۰ هزار تومان است که نصف خط فقر ۹ میلیون تومانی است برای خرج تحصیل، کرایه خانه و و خرج های جانبی. این است گوشه ای کوتاه از شرح حال زندگی زنان کارگر در سنج و در ایران.

به امید رهایی انسانها
از این دنیای نا برابر

جمهوری اسلامی می تواند فرزندان خود را به قتل برساند و لازم نیست به همسر خود پاسخگو باشد!

ما ضمن محکوم کردن هرگونه زن کشی تحت هر عنوانی و با اعلام انزجار از تمام قوانین زن ستیزانه و انسان ستیزانه در جمهوری اسلامی معتقد است تا زمانی که ایران تحت حاکمیت قوانین ضد زن اسلامی و آیت الله ها باشد و تا زمانی که جمهوری اسلامی سرنگون نشود، این زن کشی ها ادامه خواهد داشت. چنین حکومتی قطعاً باید سرنگون شود.

نوشین جعفری با پایان مرخصی به زندان قرچک و ورامین بازگشت



نوشین جعفری خبرنگار و عکاس سینما و تئاتر، روز شنبه ۲۱ فروردین ماه، با پایان ایام مرخصی به زندان قرچک و ورامین بازگشت. وی در تاریخ ۲۷ اسفند ماه ۹۹، به مرخصی اعزام شده بود.

نوشین جعفری در تاریخ ۲۸ بهمن ماه سال گذشته بدون احضار و ابلاغ قبلی جهت تحمل دوران محکومیت ۴ ساله خود بازداشت و به زندان قرچک و ورامین منتقل شد.

در شرایط کنونی که کرونا وارد ابعاد فلاکت بار در کشور شده است زندانیان و فعالان سیاسی بیش از پیش جانشان در خطر است. تمامی زندانیان سیاسی و فعالین در بند باید فوراً و بی قید و شرط آزاد گردند و تا زمان آزادی، تمامی حقوق شهروندی آنها باید رعایت شود.

انقلاب زنانه از تمام جوامع بین الملل خواستار طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی به عنوان يك حکومت جنایتکار و فاسد است.

به مصادره در آمدن بدن زنان توسط حکومت جمهوری اسلامی

"بر اساس طرح جدیدی که نمایندگان مجلس ایران تصویب کرده اند، در صورت تایید شورای نگهبان ازین پس شورایی متشکل از دو فقیه، يك قاضی و چند پزشک

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: مینا بهروزی



پرونده سازی جدید برای گلرخ ایرایی در زندان



روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه، يك دختر ۱۱ ساله در تهران از طریق حلق آویز کردن، اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد. سهم نوجوانان ایرانی از خودکشی های سالانه از سوی سازمان پزشکی قانونی بیش از ۷ درصد اعلام شده است.

متأسفانه خودکشی به دلایل اقتصادی و فقر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی روز به روز افزایش پیدا کرده است بالخصوص بعد از شیوع کرونا توده ی مردم توانایی خرید تلفن همراه، تبلت و.. برای فرزندان شان برای آموزش آنلاین را ندارند و شاهد این امر؛ ترك تحصیل بیش از ۴۰ درصد دانش آموزان مدارس است.

انقلاب زنانه ضمن ابراز تأسف از این وضعیت برای نوجوانان در ایران؛ باور دارد حکومتی که فقر فلاکت عمومی بالا رفتن آمار خودکشی و تن فروشی بین نوجوانان محصول آن بوده تنها و تنها لایق سرنگونی است.

يك زن کشی به دلیل درخواست طلاق در کرج

روز دوشنبه ۲۳ فروردین ماه، يك زن جوان در کرج به علت درخواست طلاق، بر اثر ضربات متعدد چاقو توسط همسرش به قتل رسید. فرد ضارب چند ساعت بعد توسط پلیس بازداشت شد.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هر روز شاهد زن کشی ها تحت عنوان قتل های ناموسی، قتل به دلیل امتناع از طلاق، قتل به دلیل گمان در مورد خیانت و... هستیم. مسبب این زن کشی ها فرهنگ زن ستیزانه ای است که توسط قوانین ضد زن اسلامی در ایران نهادینه شده. قوانینی که در آن به مردان القا می شود که زنان شما مایملک شما هستند نتیجه ی آن زن کشی به دلیل درخواست طلاق است. همانگونه که مرد مطابق شریعت اسلام و تحت حمایت قوانین

گلرخ ایرایی، زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان آمل، از بابت پرونده جدیدی که در ایام حبس در زندان قرچک و ورامین علیه او گشوده شده بود، توسط دادگاه انقلاب تهران به صورت غیابی به ۱ سال حبس تعزیری، ۲ سال محرومیت از عضویت در گروه ها و دستجات سیاسی و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. گلرخ ایرایی پیشتر نیز به دلیل پرونده سازی در ایام زندان، همزمان با پایان ۳ سال حبس به ۲۵ ماه حبس محکوم شد که اکنون در حال تحمل آن است.

پرونده سازی برای فعالین و زندانیان سیاسی یکی از روش های مرسوم حکومت های ضد مردمیست تا به خیال خام خود با نگه داشتن فعالین در زندان ها و اعمال فشار به آنان، صدای اعتراض جامعه را خفه کنند. اما جامعه ایران سالهاست که اعلام کرده است هیچگونه تهدید شکنجه زندان و اعدام از موج خروشان جنبش سرنگونی نمی کاهد بلکه جامعه را خشمگین تر و قوی تر خواهد کرد.

انقلاب زنانه پرونده سازی، بازداشت، احضار، و هرگونه اعمال فشار بر روی زندانیان سیاسی را قویا محکوم می کند و معتقد است باید مورد اعتراض قرار گیرد. تنها زبانی که جمهوری اسلامی می فهمد زبان اعتراض است و باید به قدرت تشدید فشارها بر حکومت، خواست آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین در بند و زندانیان سیاسی را به حکومت تحمیل کرد.

کنترل رحم خود را به نیم قرن عقب تر پرت کند. تمام رویکردی که حکومت جمهوری اسلامی به زن دارد زن ستیزانه ضد علمی و با اهداف ایدئولوژیک دینی و نظامی است. جمهوری اسلامی مدام در ارتجاع و عقبگرد رکورد میزند و حقوق انسانی زنان و تمام مردم را به طور مداوم و با سرعت از بین میبرد.

ما ضمن حمایت از حق سقط جنین باور داریم آزادی سقط جنین و کنترل زنان بر بدن خود حق مسلم

باید سقط جنین پس از غربالگری را تایید کند و تصمیم مادر تعیین کننده خواهد بود. ما چرا به همین نکته ختم نمی شود بلکه طرح «جوانی جمعیت» طرحی که ده سال توسط شخص علی خامنه ای پیگیری میشود که در این طرح ممنوعیت فروش قرص های پیشگیری در داروخانه ها بدون نسخه خارج کردن «سلامت مادر» از اولویت پزشک تشدید جرم انگاری سقط جنین و... نمونه هایی از آن است تا نهایتاً بنا دارد حقوق میلیون ها زن بر



بازیگری پرونده زهرا محمدی در دیوان عالی



زهرا محمدی، عضو انجمن فرهنگی - اجتماعی "نوژن" در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۸ توسط قاضی جنایتکار دستگاه قضایی حکومت اسلامی سعیدی در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۹۹ به ۱۰ سال حبس با اتهامات واهی "تشکیل دسته و جمعیت به قصد برهم زدن امنیت ملی" صادر و به وکیل او ابلاغ شد. مصطفی طیار، قاضی جنایتکار شعبه چهارم تجدید نظر کردستان، حکم این زندانی سیاسی سابق را به ۵ سال حبس تعزیری کاهش داد. حال پرونده زهرا محمدی در پی اعتراضات گسترده مردم و فعالین در داخل و خارج ایران جهت بازیگری دوباره به دیوان عالی حکومت اسلامی ارجاع شده است.

زهرا محمدی، ۲۸ ساله، روز پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۸ توسط مزدوران امنیتی رژیم فاشیست حکومت اسلامی بازداشت و روز دوشنبه ۱۱ آذر همان سال، با تودیع قرار وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت و تا زمان پایان دادرسی از زندان سندانج آزاد شد.

روز پنج شنبه ۲۳ آبان ۹۸، سازمان عفو بین الملل با انتشار فراخوانی خواستار حمایت همگانی از زهرا محمدی شده بود. در بخشی از این فراخوان با تأکید به وضعیت نامناسب جسمی و بیماری وی و همچنین عدم دسترسی به دارو در زندان، آمده بود "به گفته وی، بازجویان تهدید کرده بودند که اگر حاضر به همکاری با وزارت اطلاعات و امضای "اعترافات اجباری" از پیش تهیه شده نشود، اعضای خانواده اش را نیز بازداشت می کنند. او فقط یکبار، نزدیک به چهار ماه بعد از دستگیری و بعد از اتمام دور دوم بازجویی ها در دوری قطع ارتباط کامل، توانسته بود با وکالی خود ملاقات کند. لازم به ذکر است زهرا محمدی، از اعضای انجمن فرهنگی نوژن است که در زمینه تلاش برای حفظ محیط زیست کردستان، مهار آتش سوزی جنگل ها و مراعات این استان

نگاه هفته تهیه کننده پروین معادی

و آموزش زبان کردی فعالیت دارد.

((هم اکنون کمپین های پر دامنه و با امضای هزاران نفر توسط مینا احدی، شیوا محبوبی از کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین جهانی بایکوت جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی و کارگران زندانی در جریان است. امضا کنندگان و فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام کرده اند: «ظلم علیه مردم ایران متوقف شود و همه زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند».

وظیفه ماست که جلوی این همه شکل ظلم، سانسور، جنایت و بی عدالتی را بگیریم. مبارزه علیه اعدام، شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی در جریان است. ما خانواده های زندانیان سیاسی از جمله زهرا محمدی را فرا میخوانیم به این کمپین بپیوندند و در راستای تقویت خواست هزاران نفر از مردم در داخل و خارج از کشور کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی را حمایت و تقویت کنند!))

جان باختن کارگر مهاجر در کردستان عراق

۲۸ فروردین ۱۴۰۰ (۱۷ آوریل ۲۰۲۱)، کارگر جوان جمال احمدی از روستای "تیو" از توابع بخش میرآباد شهرستان سردشت در حین کار در اقلیم کردستان به دلیل سوانح کاری (در اثر برق گرفتگی) جان را از دست داد. در یک دهه گذشته، هزاران کارگر از کشورهای مختلف از ایران، ترکیه، سوریه، اردن، فیلیپین و اندونزی و... برای دستیابی به کار به عراق و اقلیم کردستان مهاجرت کرده اند.

طبق آمار منتشر شده بیش از هفتاد درصد کارگران و استادکاران ساختمانی که به عراق مهاجرت می کنند، از کردستان ایران هستند. دلیل مهاجرت صدها کارگر به عراق پایین آمدن ارزش پول، گرانی و بیکاری است.

در اقلیم کردستان کارگرانی که دچار سانحه کاری می شوند اگر خود جایی بیمه نباشند تمامی هزینه درمان بر دوش خودشان می افتد. نه بازنشستگی در کار است و نه دوران کپولت.

در اقلیم کردستان استانداردهای ایمنی محیط کار زیر صفر است. کارگر مهاجر و بومی مجبورند با بیشترین ساعت کار و نا امنی محیط کار برای تامین زندگی خود و خانواده هایشان تن به شرایط نامناسب در

محیط کار بدهند. سرمایه داران و صاحبان پروژه های ساختمان سازی در قبال جان و ایمنی کارگران مهاجرت جوابگو نیستند.

مهاجرت کارگران از شهرهای کردستان و ایران حاصل بیکاری میلیونی، فقر و شرایط فلاکتی است که حکومت اسلامی به طبقه کارگر و کارکنان زحمتکش در ایران تحمیل کرده است.

آمار خودکشی در تهران در دو روز ۸۴ مورد اقدام به خودکشی در تهران در دو روز. ۱۲ مورد مرگ

یوسف سلیمانی، از توابع بخش مرکزی شهرستان ثلاث باباجانی در اثر فقر و تنگدستی دست به خودکشی زد! خبر: «وب سایت رکنا نوشت: از روز پنجشنبه تا جمعه ۲۸ فروردین ماه گذشته در طول یک روز در تهران ۸۴ نفر اقدام به خودکشی کرده اند و از میان آن ها دستکم ۱۲ نفر جان باختند. اقدام به خودکشی ها از طریق روش های گوناگونی از جمله، خودزنی، حلق آویز کردن، مسمومیت عمومی و مسمومیت از طریق مصرف دارو صورت گرفته و از کودکان تا میانسال میان این افراد دیده می شود».

حکومت اسلامی با تحمل فقر و بیکاری و افزایش اعتیاد و تن فروشی و جنایی کردن زندگی مردم، زمینه های دست زدن به خودکشی را فراهم و راحت کرده است.

جامعه ایران تحت حاکمیت یکی از هار ترین و فاسدترین رژیم سیاسی قرار دارد. طبق آمار آمار خودکشی در کردستان بیشتر از گذشته شده است. در سطح سراسری در ایران به ازای هر ۴ نفر یک نفر به اختلال روانی مبتلا است. بیش از بیست میلیون پرونده قضایی در جریان است! در حوزه اجتماعی توجه به اختلال های روحی زیر صفر است.

فقر و فلاکت و نداری، ناموس پرستی و مردسالاری، و از خود بیگانگی جامعه از دلائل خودکشی هستند. دپرسیون و شرایط نابسامان روحی پدید می کند، وقتی فقر است و امکانات رفاهی و تفریحی زیر صفر است، این نوع بیماری به وفور دیده می شود.

خودکشی راهکار نیست! حاکمیت بانی و مسبب آن است! چاره رنجبران و قربانیان این همه ستم طبقاتی و ستم کشی بر زنان، بیکاری میلیونی، مبارزه مردم علیه برای به زیر کشیدن ظالم ترین کیفیت ترین نظام حاکم بر ایران است. زندگی با رفاه اجتماعی به هر درجه با استانداردهای بالا تامین شود، خوشبختی و سعادت مردم بیشتر و بیشتر میشود. تامین این شرایط فقط و فقط با سرنگونی و کوتاه کردن دست

جنایت و فاسد حکومت اسلامی، ممکن است.

افزایش ۲۵ درصدی قیمت کتاب های درسی

طبق خبر اتحادیه آزاد کارگران ایران: ثبت سفارش و خرید اینترنتی کتاب های درسی سال تحصیلی ۱۴۰۱ الی ۱۴۰۲ از روز یکشنبه، ۲۲ فروردین ماه آغاز شده است و تا ۲۲ خرداد ادامه خواهد داشت. طبق اعلام سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی قیمت کتاب درسی به طور میانگین ۲۵ درصد افزایش یافته است.

در شرایطی که حقوق و مزایای ماهانه خانواده های کارگری و زحمتکش کمتر از سه میلیون تومان است. و میانگین تامین زندگی و معیشت بالای دوازده میلیون تومان تعریف شده، افزایش ۲۵ درصدی قیمت کتاب های درسی پیام درد آور و جانکاهی است برای میلیون ها نفر از فرزندان کارگران. در سال گذشته بر اثر بیکاری و فقر و پایین بودن حقوق ها بیش از پنج میلیون کودک ار رفتن به مدرسه محروم شده اند. هزاران نفر از کودکان به صف میلیونی کودکان کار و خیابان اضافه شده اند و بیش از سه میلیون از جوانان از رفتن به دانشگاه به دلیل افزایش هزینه های ادامه تحصیل محروم شده اند.

استقبال از آزادی جعفر عظیم زاده

آزادی جعفر عظیم زاده از رهبران کارگری با استقبال وسیع از جانب کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی رو برو شد. پیام روح اله مردانی (معلم و دانشجو و از معترضین دی ماه ۹۸) به مناسبت آزادی جعفر عظیم زاده

خوش آمدی رفیق. قرنهایت که این ستم آشکار بر من و بر تو و بر همگان می رود، و دیر زمانی بود که تحملش برایمان سخت شده بود و طاقتفرسا، تو بخوبی فهمیدی که ریشه ی این ستم جاری کجاست و برخاستی... هر چه کردند از آزار و شکنجه و انفرادی و زندان خود و یارات، بی فایده بود و بی حاصل، اما اینان هرگز نفهمیده اند و نخواهند فهمید این داستان را. تو برخاسته بودی که بایستی و این برخاستن تمام ماجرای ماست، برخاستیم تا بازی شان به هم بخورد... این اهریمنان فارغ را، هرگز یارای فرونشاندن این برخاستن نیست. اکرم جان سپاس از تو که یاریگر این برخاستن بودی، به خوبی با یاشار و آرشت توانستی این برخاستن زیبا را به تعریف بنشینی. آری رفیق جان گویند: تو زندان بودی و ندیدی؛ اما این سخن یاره سرایان است! تو بودی همواره

با ما و نظاره گر بودی که یاران، رفقا و نزدیکان همپای تو ایستادند، فریادش سرود آزادی و برابری سردادند و به نشان قامت بلند استقامت، سروی نشانندند به قامت رعنا ی آزادی... رفیق جان با دیدن دوباره ات خونی رنگین تر در شریانمان جهید و امیدمان به پیروزی سر آغازی دگر یافت. اکنون خواب و بیداری ام هرگز صفای تو با صفاست و بیش از پیش باورم به رسیدن، آهنگ مقصود گرفته است و همگنان را این باور است:

همراه شویم که میل، میل گذار است زین لجنزار بی فساد
همبندی و همراهت رادا (روح اله مردانی)
(منبع خبر کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران)

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتراض به تداوم زندان اسماعیل عبدی

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در حمایت از اقدام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران در اعتراض به تداوم زندان اسماعیل عبدی؛ در بخشی از این بیانیه اینگونه آمده است:

"شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران در اعتراض به تداوم زندان اسماعیل عبدی، بیانیه ای به تاریخ هشتم فروردین صادر نموده است که در آن ضمن پافشاری بر حق معلمان و فعالین صنفی برای طرح مطالبات و خواسته های صنفی خود، خواستار پایان دادن به برخوردهای امنیتی و قضایی به فعالیتهای صنفی شده و با تأکید بر غیرقانونی بودن حبس اسماعیل عبدی، خواهان پایان دادن به آزار و اذیت این معلم زندانی و آزادی فوری وی شده است."

این بیانیه می افزاید: "ما کارگران متشکل در اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن اعلام همبستگی با خواست شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران برای آزادی اسماعیل عبدی، خود را بخشی از جنبش اعتراض به زندانی کردن فعالین صنفی میدانیم و همصدا با معلمان ایران اعلام میداریم که چنانچه اسماعیل عبدی به فوریت آزاد نگردد، در کنار اقدامات عملی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان خواهیم بود.

همچنین تمامی کارگران را فرا می خوانیم تا به هر نحو ممکن و در کنار فعالین صنفی معلمان نسبت به تداوم زندان اسماعیل عبدی و همچنین تلاش برای آزادی تمامی کارگران و معلمان زندانی دست به اعتراض بزنند."

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲۵ فروردین ۱۴۰۰

از صفحه ۵ اخبار و گزارشات هفتگی...

توهین به خدا و آخوندها محسوب می شود و بیحجابی و دوچرخه سواری توهین به حجاب اسلامی است! هرچند، زنان ایران راه توهین به حجاب و مقدسات اسلامی را گزیده اند، مقدساتی که چهار دهه است زمینه هرگونه خشونت و جنایت علیه زنان را هموار کرده است. زنده باد زنانی که پرچم ردگی زن را زیر پا میگذارند و با اعتراض علیه تمام قوانین اسلامی ضد زن و با تمام قوا بیش از پیش اسلام سیاسی را در کشور به عقب می رانند.

ما دوچرخه سواری جمعی در سراسر ایران و راه اندازی کمپینهای دوچرخه سواری و دخالتگری بیشتر فعالین حقوق زنان و جنبشهای دیگر را لازم و ضروری میدانند تاکید موکد میکنند که نباید به حکومت اسلامی اجازه داد که به زنان تعرض کند.

واکسیناسیون ورزشکاران زن از روی لباس

روز (سه شنبه) طرح واکسیناسیون ورزشکاران المپیک و پارالمپیک در ایران آغاز شد. زنان ورزشکاری که مقابل دوربینها واکسن کرونا زدند، اجازه بالا زدن آستینشان را نداشتند.

حاکمیت ج.ا. تنها حکومتیست که واکسیناسیون کرونا از روی لباس انجام داده. این حکومت هیچ ربطی به انسان و انسانیت ندارد، هیچ ربطی به دنیای انسانی ندارد. حتی برای به خطر نیفتادن اسلام حاضر است با جان انسانها بازی کند. زن برده جنسی نیست اما در قاموس این نرینه سالاران زن فقط یک کالا و برده جنسی است که باید بدنش پوشانده شود. تحقیر زنان در این حکومت بشدت محکوم است. ***



مدت ۴ سال تعلیق مجازات خود، پنج بار در قطعه شهدای مدافع حرم حاضر شود و همچنین مکلف به مراجعه فصلی به دفتر پیگیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کسب اجازه از مقام قضایی برای سفر خارج از کشور شده است. در حالی که عاملین و آمرین شلیک عمدی به هواپیمای اوکراینی بیش از یک سال است که بدون هیچ محاکمه ای آزادانه در شهر میچرخند و زبانشان دراز است، معترضین به این جنایت آشکار و علنی با کشتار و شکنجه و حبس های طولانی مدت رویه رو هستند. ما پرونده سازی، بازداشت، احضار، و هرگونه اعمال فشار بر روی معترضین فعالین و زندانیان سیاسی را قویا محکوم می کند و معتقد است باید مورد اعتراض قرار گیرد. تنها زبانی که جمهوری اسلامی می فهمد زبان اعتراض است و باید به قدرت تشدید فشارها بر حکومت، خواست آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین در بند و زندانیان سیاسی را به حکومت تحمیل کرد.

زنان در عراق، علیه جنگ و برای جلب توجهات به بازسازی شهر موصل دوچرخه سواری کردند



۱۲ آوریل ۳۵ دوچرخه سوار زن بین ۱۵ تا ۳۰ سال، اولین مسابقه دوچرخه سواری کاملاً زنانه را در شهر آسیب دیده از جنگ موصل در شمال عراق برگزار کردند. دوچرخه سواران زن با گذشتن از ساختمانهای که در جنگ با داعش در زمان اشغال موصل در بین سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ ویران شده است، به سمت خط اصلی رفتند. این مسابقه با هدف جلب توجه به تلاش های بیشتر برای بازسازی موصل برگزار شد. این در حالیکه که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، #دوچرخه سواری زنان

تمام زنان است و البته جنین ارزشمند است و تحت فشار اقتصادی ممکن است سقط جنین رخ دهد اما مادامی که زنان به هر دلیل نخواهند به حاملگی ادامه دهند باید این حق را داشته باشند تا به آن پایان دهند که البته این وظیفه دولت هاست که تمام شرایط را از لحاظ پزشکی و روحی برای زنان مهیا سازند.

سقط جنین امن حق مسلم زنان است. حکومتی که تا کنترل زهدان زنان هم پیشروی کرده تنها لایق سرنگونی است.

محکومیت غزل معصوم شاهلی فعال دانشجویی



غزل معصوم شاهلی، عضو پیشین شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان ترقی خواه دانشگاه صنعتی امیرکبیر که ۲۸ بهمن ماه سال گذشته بدون هیچ گونه احضار و اطلاع قبلی و به طور ناگهانی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شده بود، پس از حضور در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب و تفهیم اتهامات «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» و تبرئه از اتهامات فوق و تغییر عنوان اتهامی به اتهام «نشر اکاذیب در فضای مجازی» که مصداق آن در پرونده موضوع وی در فضای مجازی و از جمله توییت های مربوط به حادثه هواپیمای اوکراینی ذکر شده است، جمعا به یک سال و نیم حبس تعزیری و سه میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است که این مجازاتها در رأی دادگاه به مدت ۴ سال به تعلیق درآمدند. طبق رأی قاضی اشاری، ریاست شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، وی ملزم است که در طول

کانال جدید بر ماهواره دوم یاری کنید پوشش تلویزیون آزادی، برابری و رفاه را گسترش دهیم!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی
سوند:
Sweden
Kontonr: 4122379-3 SEK
Bankkontonr: 9960 2641 223 793
Kontoslag: PLUSGIROKONTO FÖRE-
TAG
IBAN: SE 10 9500 0099 6026 4122
3793

و یا سوش:
Swish number
1234302402

آلمن:
Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontonr: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADE33XXX

شماره حساب تلفن ویژه کمک و انگلیس و ژر:
تور: نیتر:
انگلیس:
United kingdom
Account nr: 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می توانید یا شماره زیر تماس بگیرید:
وقتی آپدیت می شود و شماره
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

کانال جدید این ترین تک شما آزادخواهان، این صدای اعتراض و همبستگی کارگران، زنان و جوانان در ایران، تلویزیونی که ۱۷ سال است ۲۴ ساعته برای رهایی و آزادی و انسانیت و برای سرنگین کردن جمهوری اسلامی برنامه پخش میکند، برای هرچه گسترده تر کردن پوشش خود علاوه بر ماهواره "یاد ست"، از ماهواره "یوتل ست" نیز شروع به پخش برنامه کرده است. رفتن بر ماهواره "یوتل ست" بودن همزمان بر دو ماهواره امکان میدهد که بخش های بسیار بیشتری از مردم ایران و منطقه و همچنین ایرانیان ساکن اروپا به کانال جدید دسترسی داشته باشند. انجام این مهم، همچون تامین هزینه های سنگین یک تلویزیون ۲۴ ساعته در تمام این ۱۷ سال، بدون کمک و یاری شما مردم شریف و آزادخواه ممکن نبوده و نخواهد بود. لذا دست یاری بسوی شما دراز میکنیم.

بابت سوبسید کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار جهت تامین هزینه های انتقال کانال جدید به ماهواره دوم (یوتل ست) را اعلام میکنیم. هدف ما این است که این مبلغ را در عرض یک ماه جمع کنیم. از همه شما مردم آزادخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هرنوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید.

تلویزیون کانال جدید
۵ فروردین ۱۴۰۰ (۲۵ مارس ۲۰۲۱)

کمک های خود را میتوانید به شماره حساب های زیر واریز کنید و یا به واحدهای حزب در شهر خود بپردازید و با یادداشتی ما را از کمک خود مطلع نمایند.
۳-۶۱۲۳۷۹

KANAL JADID
کانال جدید

تماس با کانال جدید
وبسایت: www.newchannel.tv
تلگرام: @kanaljadid1
فیسبوک: facebook.com/kanaljadidtv
اینستاگرام: instagram.com/kanaljadidtv
یوتیوب: Kanal Jadid TV
تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یاد ست
فرکانس: 11766
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
اف ای اس: 7/8

تلویزیون کانال جدید
را به دوستان و آشنایان معرفی کنید!

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!